

بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا - شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین

مهدی طاهرخانی

استادیار گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

ادبیات مهاجرت از روستا به شهر با تمرکز بر مشکلات متعدد اجتماعی و اقتصادی بیش از دهه‌های گذشته مورد توجه محققان قرار گرفته است. اما به رغم این توجه، این ادبیات هنوز از واژه‌های استاندارد شده‌ای برخوردار نیست. تعریف مهاجرت روستایی به بسیاری از جنبه‌ها و ویژگی‌های جمعیت مربوط می‌شود. در مدل نظری، حرکت جمعیت زمانی مهاجرت محسوب می‌شود که روستاییان خانه یا بازار کار خود را ترک کرده و در جای دیگری اسکان یابند. تقریباً در تمامی مکانهای جغرافیایی مهاجرت روستاییان وزن سنگینی را در گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال دارد. در این تحقیق نقش عوامل اقتصادی و غیراقتصادی در مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین مطالعه و بررسی شده است. در حقیقت از هدفهای مهم این تحقیق درک علل و عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه برای مهاجرت جوانان از نواحی روستایی به شهرهاست. تجزیه و تحلیل‌های تجربی نشان می‌دهند که اگرچه انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت جوانان روستایی نقش مهمی دارند، عوامل غیر اقتصادی نیز اثرات مستقیم بر رفتار آنان می‌گذارند. برای مثال، تسهیلات محلی، رضایت از محل سکونت، رفاه اجتماعی، استانداردهای زندگی، نیاز به پیشرفت، زندگی بهتر و هدفهای ارزشی به طور معناداری انگیزه مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین را افزایش داده‌اند.

کلید واژه‌ها: مهاجرت، جوانان، هدفهای روستایی.

۱- مقدمه

در سراسر جهان بخصوص پس از جنگ جهانی دوم، مهاجرت به عنوان پدیده‌ای جمعیتی از بسیاری از جهات حائز اهمیت گردید و نظریه‌پردازان علوم مختلف در باره علل و عوامل آن



به بحث و تبادل نظر پرداختند. در این راستا مهاجرت‌های روستا - شهری به دلیل پیامدهای اقتصادی - اجتماعی آن بیش از سایر پدیده‌های جمعیتی مورد توجه قرار گرفت، به طوری که در طول چند دهه بسیاری از تحقیقات که بعضاً به صورت توصیفی و جدا از هم طرح می‌شد، فرهنگ غالب نوشته‌های جمعیت شناسان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و جغرافیدانان گردید. رشد رو به تزاید مطالعات مربوط به مهاجرت‌های روستا - شهری بخصوص در دهه ۶۰ پاسخی به رشد روزافزون جمعیت بویژه رشد شهرنشینی بود.

نخستین نظریه رسمی را درباره مهاجرت اقتصاددان انگلیسی راون اشتاین^۱ در سال ۱۸۵۵ ارائه داد. وی مشاهدات خود را تحت عنوان قوانین مهاجرت به گونه‌ای طراحی نمود که در آن مؤلفه‌های فاصله، عوامل جاذبه و دافعه، جریان متقابل و ویژگیهای مکانی و فضایی محل سکونت از عوامل مهم در مهاجرت تلقی می‌شدند. با وجود این در چهارچوب نظری قوانین حاکم بر علل مهاجرت‌های روستا - شهری در قرن نوزدهم، نظریه پردازانی چون دورکیم و هانری مندراس از دیگران برجسته‌ترند. دورکیم افزایش جمعیت را مهمترین دلیل مهاجرت می‌داند و معتقد است که از قرن هفدهم به بعد پدیده مهاجرت به طور رسمی آغاز می‌شود، یعنی زمانی که جمعیت رو به تزاید می‌گذارد و بحث تقسیم کار در جوامع به شکل علمی مطرح می‌شود. هانری مندراس با بحث بر روی دلایل مهاجرت‌های روستا - شهری معتقد است که جامعه روستایی در مقایسه خود با جوامع شهری به نوعی جاماندگی و پس‌ماندگی پی می‌برد و این امر محرکی در رساندن خود به قافله تمدن می‌شود. او می‌گوید: نفوذ تمدن شهری در جامعه روستایی موجب مهاجرت است و مهاجرت واکنشی در جهت تعادل این فرهنگ و ممانعت از پس‌افتادگی است. به نظر وی تا زمانی که این خلأ فاصله وجود دارد، تحرک جمعیت امری طبیعی است [۱].

لاری شاستاد^۲ در سال ۱۹۶۲ برای نخستین بار مهاجرت را از دیدگاه سرمایه‌گذاری بررسی می‌کند. وی مهاجرت را به عنوان فعالیتی قابل توصیف و مرتبط با فرایند سرمایه‌گذاری می‌نگرد، لذا به جای اینکه مهاجرت را صرفاً از دیدگاه تفاوت درآمدی مورد توجه قرار دهد آن را در چهارچوب بازدهی سرمایه‌گذاری بررسی می‌کند. بدین ترتیب از دیدگاه شاستاد زمانی که درآمد قابل انتظار از مهاجرت، کمتر از هزینه واقعی مهاجرت باشد، مهاجرت صورت نمی‌پذیرد، حتی اگر تفاوت درآمد میان دو نقطه مبدأ و مقصد وجود داشته

1. Ravenstien

2. Lary Shastad

باشد [۲].

بدین ترتیب به نظر می‌رسد خط مشی فکری مطالعات و تحقیقات انجام شده در طول چند دهه اخیر در راستای شناسایی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی بر پایه شناخت عوامل اقتصادی و غیراقتصادی متمرکز است. اگرچه افرادی چون ویلیام جی. میلن^۱ مهاجرت را همانند پیشینیان خود چون تودارو، فی ورنایس و هاریس به شرایط اقتصادی نسبت می‌دهد، بسیاری از متفکران علوم اجتماعی با تأکید بر جنبه‌های غیراقتصادی مهمترین عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا - شهری را به عوامل غیراقتصادی نسبت می‌دهند. بی‌دلیل نیست که آر. موریل^۲ دهه ۹۰ را کاملاً هیجان‌انگیز در مطالعات مربوط به مهاجرت می‌داند [۳]. تحقیق حاضر کوششی است تا ضمن توجه به مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در مهاجرت‌های روستا - شهری بازشناسی مناسبی از دلایل مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین با توجه به تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دهه اخیر ارائه نماید.

۲- بیان مسأله و فرضیات تحقیق

مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت هم‌اینک به دلیل پیامدهای متفاوتی که در مناطق مبدأ و مقصد بر جا می‌گذارد از بسیاری جهات حائز اهمیت است به طوری که فقدان پیش‌بینی مناسب جمعیت در هر منطقه عمدتاً منجر به شکست برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است. ارائه خدمات زیربنایی و روبنایی به مناطق روستایی کشور به همراه تخلیه جمعیت روستایی، استفاده نامطلوب از امکانات موجود و نیز انباشت بیش از حد جمعیت در مناطق شهری با محدودیت وسیع امکانات، نمونه‌های بارزی از شرایط نامناسب حاصل از جابه‌جایی‌های بدون برنامه جمعیت بخصوص از مناطق روستایی به مناطق شهری است که آثار ناهنجار ذیل را به همراه داشته است:

الف) نتایج جمعیتی، که به برهم‌زدن نسبت جنسی در مناطق شهری و روستایی منجر شده است.

ب) نتایج اقتصادی، که به از دست دادن سرمایه انسانی روستا و شیوع اقتصاد بیمار^۳ در مناطق روستایی انجامیده است.

1. William J. Milen
2. R. Morrill
3. Patient Economic



ج) نتایج اجتماعی و فرهنگی، که شکست کنترل سنتی خانواده در نسل جوان و تقابل بین سنت و مدرنیسم را در پی داشته است.

د) نتایج سیاسی، که به فرار مغزهای روستایی^۱ و بر هم خوردن هرم قدرت در روستا منجر شده و بدین ترتیب شکل‌گیری هرم قدرت که می‌توانست به وسیله نخبگان روستایی شکل گیرد از بین رفته است.

بررسی متون روزافزون در باب شناخت مفاهیم مرتبط با مهاجرت به طور اعم و مهاجرت‌های روستا - شهری به طور اخص نشان می‌دهد که متأسفانه اتفاق نظر کلی بین صاحب‌نظران در تعریف و تبیین این مفهوم وجود ندارد. انیسا زگیچی^۲ با طرح واژه‌شناسی مهاجرت و مشکلات مرتبط با آن معتقد است «اگرچه ادبیات مربوط به مهاجرت‌های داخلی در دهه‌های اخیر از رشد قابل توجهی برخوردار بوده اما به دلیل وجود پاره‌ای از مسایل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی هنوز از واژه‌شناسی استاندارد شده‌ای در متون توسعه برخوردار نیست [۴].

تنوع نگرش در باب مهاجرت‌های داخلی منجر به ارائه تعاریف متعدد از آن شده چنانکه جفری اس. زاکس^۳ از دیدگاه اقتصادی در مقاله خود تحت عنوان «چه زمانی حرکت، مهاجرت محسوب می‌شود» می‌نویسد: «حرکت و جابه‌جایی جمعیت زمانی مهاجرت محسوب می‌شود که فرد یا افرادی مسکن و بازار کار دائمی خود را ترک کرده و مکان جدیدی برای کار و مسکن خود تدارک ببینند» [۵].

در تحقیقات جامعی که دانیل شفر^۴ و همکاران درخصوص مهاجرت‌های روستا - شهری انجام داده‌اند تصریح شده که تحقیقات مرتبط با مهاجرت به بررسی اینکه اولاً چرا روستاییان مهاجرت می‌کنند و ثانیاً عوامل مؤثر بر تصمیم آنان درخصوص مهاجرت چیست می‌پردازد. وی معتقد است که اگرچه عوامل اقتصادی و غیراقتصادی به طور هماهنگ در ایجاد انگیزه برای مهاجرت‌های روستا - شهری مؤثرند، بی‌تردید در تصمیم‌گیری برای مهاجرت، به طور نسبی عوامل تأثیرگذار از شخصی به شخص دیگر و از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر کاملاً متفاوت است. به اعتقاد وی ایجاد تعادل و هماهنگی بین مدل‌های نظری و تجربی شرط موفقیت انجام دادن هر مطالعه درخصوص شناخت عوامل مؤثر در مهاجرت‌های

1. Rural Brain Drain
2. Anissa Zeghiche
3. Jeffery S. Zax
4. Daniel Shafer

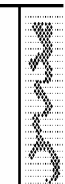
روستا - شهری است [۶].

در نوشته‌های مربوط به اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه ۶۰ که در آثار لوییس، تودارو، فی ورائیس، هاریس و استیگلیتز مشهود است، دلیل اساسی مهاجرت‌های روستا - شهری ساختار اقتصادی عنوان شده است. در نوشته‌های آن دوره که در مطالعات اخیر نیز ارجاعات عمده به آنها شده است با تأکید بر سیاست‌های تعادل منطقه‌ای، مهاجرت ناشی از فقدان تعادل میان مناطق مختلف دانسته شده است. گری ال. هانت^۱ در مقاله خود تحت عنوان «تعادل و فقدان تعادل در مدلسازی مهاجرت» می‌نویسد: «در بسیاری از مفاهیم اساسی مهاجرت، توجه به دو واژه تعادل و فقدان تعادل بسیار حائز اهمیت است. در نظریه‌های فقدان تعادل، مهاجرت ناشی از نبود تعادل بین مناطق عنوان شده است. در این مدل فرض می‌شود که تفاوت‌های فضایی در فرصت‌های اقتصادی، به بروز توانایی‌های متفاوتی در سطح مناطق منجر می‌گردد، بنابراین مهاجرت پاسخی به این تفاوت‌هاست. بر این مبنا مهاجران مناطقی را جستجو می‌کنند که دارای بازار کار مناسب با میزان بالای دستمزدند. لذا مناطقی که خطر بیکاری در آنها کمتر است مورد توجه آنان قرار می‌گیرد. پس مهاجرت تابعی از تفاوت بین میزان واقعی دستمزدها، اشتغال یا بیکاری است» [۷].

تفاوت‌های فضایی را گراوز^۲ به عنوان «مدلهای فقدان تعادل» معرفی کرده است. هانت آنگاه به تشریح مدل‌های تعادل پرداخته و می‌گوید: در برابر مدل‌های فقدان تعادل، مدل‌های تعادل مطرحند. در طی پنجاه سال گذشته مدل‌هایی به سرعت گسترش یافته‌اند که در آنها تفاوت در برخورداری از تسهیلات رفاهی، عامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا - شهری دانسته شده است. در این بینش فرض می‌شود که تفاوت‌های فضایی در فرصت‌های اقتصادی تماماً یا در مقیاس وسیعی با تفاوت‌های فضایی در برخورداری از تسهیلات رفاهی مناطق قابل توجیه است. در مدل تعادل، مهاجرت منتج از تغییرات تقاضا برای استفاده از تسهیلات رفاهی است، لذا تغییرات در تقاضا و عرضه امکانات رفاهی یا عواملی نظیر افزایش درآمدهای واقعی منجر به مهاجرت روستاییان به شهرها می‌شود [۷].

بیپلاب داسکوپتا^۳ در تحلیلی جامع در مقاله خود تحت عنوان «مهاجرت‌های روستا - شهری و توسعه روستایی» می‌نویسد: مهاجرت «ارمغان فقر»^۴ در مناطق روستایی است و برتری

1. Gary L. Hunt
2. Gravse
3. Biplab Dasgupta
4. Gift from the Poor





کمی زنان و سالخورده شدن جمعیت از پیامدهای آن محسوب می‌شود [8]. ریچارد ای. بیلزبارو^۱ ضمن تحلیل عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی در کشور چین می‌نویسد: «مهاجرت مردم در گروه‌های بزرگ جمعیتی پدیده عمده دنیای معاصر ماست. عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی در ایجاد مهاجرت‌های روستایی اهمیت بسیاری دارند اما شاید مهاجرت برای کسب «زندگی بهتر»^۲ مهمترین دلیل برای آغاز مهاجرت‌های روستا - شهری است و پیش‌بینی می‌شود که همچنان ادامه داشته باشد» [9]. وی در ادامه شرح می‌دهد که به طور سنتی در بیشتر مطالعات انجام شده به مدل‌های اقتصادی برای مهاجرت‌های روستا - شهری توجه شده است. در این مدل‌ها، مهاجرت ناشی از تفاوت‌های شغلی، درآمدی و درجه امنیت بین مناطق شهری و روستایی است. در این خصوص تفاوت‌های موجود در شرایط اقتصادی - اجتماعی توسعه، تسهیلات، هنجارها، پیشینه مهاجرت‌ها و دسترسی به مراکز شهری را می‌توان به عنوان دلایل مهاجرت‌های روستا - شهری محسوب کرد.

در ارتباط با مدل اقتصاد کلان، بیلزبارو مهاجرت را یک انتخاب فردی تلقی می‌نماید. وی معتقد است که افراد زمانی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که کسب منافع اقتصادی مورد انتظار بر هزینه‌های آن پیشی گیرد. مطابق با این دستورالعمل مهاجرت ممکن است به عنوان ذهنیتی تلقی شود که فرد برای کسب منافع بیشتر بدان اقدام کند. لذا در این بینش ویژگی‌های فردی چون سن، جنس، جنبه‌های مادی، سطح آموزش و نوع شغل ممکن است در ایجاد انگیزه برای مهاجرت مؤثر واقع شوند [9].

در تبیین دلایل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا - شهری گروهی چون جان او. اوکو^۳ با مطالعه جوامع روستایی در کشورهای آفریقایی، مهاجرت را امری اجباری و از روی ناچاری^۴ و به عنوان «آخرین چاره»^۵ قلمداد می‌نماید، یعنی موقعیتی که یک خانوار تمام امید خود را برای بقا از دست می‌دهد و چاره‌ای جز مهاجرت نمی‌بیند.

دین ونک^۶ و همکاران معتقدند که بیشتر مطالعات مربوط به بررسی دلایل مهاجرت‌های روستا - شهری نشان می‌دهند که مهاجران روستایی از مناطقی که شرایط نامناسبی دارند به

1. Richard E. Bilsborrow
2. Better Life
3. John O. Oucho
4. Distress Migration
5. Last Resort
6. Deeann Wenk

مناطق با شرایط بهینه مهاجرت می‌کنند. از این منظر ایجاد احساس نارضایتی در روستاییان منجر به مهاجرت می‌شود. آنان با تأکید بر مدل‌های سرمایه انسانی معتقدند که سعی مهاجران عمدتاً آن است که جذب مناطق توسعه یافته شوند. لذا وجود منافع اجتماعی - اقتصادی و اصلاح شرایط اقتصادی فرد از مهمترین انگیزه‌های مهاجرت محسوب می‌شود [۱۰].

اچ. چارنی^۱ با تأیید این ادعا که تفاوت سطح درآمد و رفاه بین مناطق از عوامل اساسی در مهاجرت‌های روستا - شهری است معتقد است که مطالعات نشان می‌دهند که گروه‌های کم درآمد روستایی سعی می‌کنند که به اشکال مختلف به مناطق توسعه یافته‌تر جذب شوند به طوری که رابطه معناداری بین کسب رفاه بیشتر و مهاجرت‌های روستا - شهری مشاهده می‌شود. لذا از دیدگاه چارنی مهاجرت پاسخی به تفاوت سطح رفاه در مناطق مختلف است [۱۱].

فاوست^۲ و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «دلایل جابه‌جایی و رفتارهای مهاجرتی» به تشریح عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا - شهری پرداخته و معتقدند که از دیدگاه نظری چهار عامل در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثرند:

۱. فشارهای بوم‌شناختی،

۲. عوامل هنجاری،

۳. انگیزه‌های اقتصادی،

۴. انگیزه‌های روانشناختی [۱۲].

جان کونل^۳ و همکاران معتقدند که میزان مهاجرت از مناطق روستایی انعکاسی از فقدان توازن فرصتها بین مناطق روستایی با سایر مناطق است. فرصتهای مالی و سرمایه‌گذاری و نبود آنها در مناطق روستایی بخصوص برای جوانان که طالب فرصتهای متعدد اجتماعی و اقتصادی‌اند منجر به ایجاد انگیزه برای مهاجرت شده تا خود را به نخبگان شهری پیوند زنند. بدین ترتیب مهاجرت تابعی از عوامل ذیل است:

۱. امر ازدواج؛

۲. اجتناب از سیستم^۴؛ موقعیت اجتماعی مهاجر در روستا و در برابر سایر گروه‌های اجتماعی ممکن است در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثر واقع شود. در صورتی که فرد مهاجر موقعیت اجتماعی نازلی داشته باشد ممکن است با مهاجرت از موقعیت

1. H. Charney
2. Fawcett
3. John Connell
4. Avoidance System



قبلی خود جدا شده و موقعیت مناسب‌تری را به دست آورد.

۳. آداب گذر؛ در این مفهوم مهاجرت، چرخه‌ای در زندگی تعریف می‌شود که از طریق آن مهاجران و بخصوص جوانان خود را با شرایط جدیدی روبه‌رو می‌بینند. از این منظر مهاجرت مرحله گذار برای شروع زندگی جدیدی است که در آن فرد آدابی را می‌آموزد که منجر به مهاجرت می‌شود [۱۲].

ام. لو^۲ در سال ۱۹۸۸ در مقاله‌ای تحت عنوان «ارتباط بین رضایت از محل سکونت و انگیزه‌های مهاجرت» به نقش نسبی رضایت افراد از محل سکونت خود پرداخته و می‌افزاید که مهاجرت، عملی هدفمند و عقلایی است که فرد مهاجر به صورت خودانگیخته برای اصلاح یا بهبود کیفیت زندگی انجام می‌دهد. به اعتقاد وی عقلایی شدن مهاجرت، دو جنبه عام را منعکس می‌سازد.

الف) افراد یا خانوارهای مهاجر، طرح از قبل تعیین شده‌ای به صورت آگاهانه برای خود ترسیم نموده‌اند.

ب) افراد یا خانوارهای مهاجر، انتظار دارند که مهاجرت، پیامدهای مثبتی برای آنان داشته باشد. از این دیدگاه مهاجرت، ابزاری برای حصول به «هدفهای ارزشی^۳» است و از دلایل آن می‌توان به فشارهای موجود در سکونتگاههای روستایی به دلیل تطابق نداشتن نیازهای فرد مهاجر با امکانات موجود اشاره نمود. در این راستا مفهوم «رضایت از محل سکونت^۴» به طور نسبی موقعیت فرد مهاجر را در یک «آستانه استرس^۵» قرار می‌دهد به طوری که فرد مهاجر ابتدا قضاوتی ارزشی از وضعیت محل سکونت خود به نسبت سایر مناطق انجام داده و آنگاه به سطح خاصی از رضایت دست می‌یابد. سطح رضایت به دست آمده عامل عمده برای تصمیم به مهاجرت است. لو براساس تحقیقات به عمل آمده اسپیر^۶ معتقد است که رضایت از محل سکونت مؤلفه‌ای کلیدی برای مهاجرت یا مهاجرت نکردن روستاییان است. این رضایت تابعی از ویژگیهای خانوادگی، بعد مکانی و نیز «قراردادهای اجتماعی^۷» است. بر این مبنا نظریه‌ای شکل می‌گیرد که در آن رفتار فرد مهاجر تابعی از انتظارات،

1. Rites of Passage
2. M. Lu
3. Valued Goals
4. Residential Satisfaction
5. Stress Threshold
6. Spear
7. Social Bonds

گرایشهای فکری و هنجارهای ذهنی است. مدلی که «لو» به عنوان «نظریه عمل مدلل» نامگذاری کرده است. از این دیدگاه تصمیم‌گیری برای مهاجرت از سه جزء اساسی تشکیل می‌شود:

۱. گرایش به مهاجرت تابعی از سطح انتظارات ارزشی فرد است. چنین گرایشی از این واقعیت نشأت می‌گیرد که منافع مهاجرت امکان دارد از هزینه‌های آن پیشی گیرد.
۲. هنجارها و اعتقادات فرد مهاجر از مجموعه به هم تنیده‌ای به نام شبکه‌ها و قراردادهای اجتماعی شکل می‌یابد.
۳. اقدام به مهاجرت همواره تابعی از درک موانع موجود است. از این دیدگاه اگر فرد مهاجر تجربه موفقیت‌آمیزی از مهاجرت داشته باشد، تمایل دارد مهاجرت کرده و به هدفهای ارزشی نایل شود [۱۴].

در تقابل اندیشه‌های طرح شده در باب شناخت عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا - شهری، نظریه ری دی بولمن^۲ و همکاران از عمق بیشتری برخوردار است. وی معتقد است که تصمیم برای مهاجرت از مناطقی روستایی تابع چرخه ذیل است [۱۵]:



وی آنگاه شرح می‌دهد که در سراسر دنیا بخصوص از زمان جنگ جهانی دوم، جوانان از ناحیه‌هایی با سنت‌های خاص به ناحیه‌هایی با ویژگیهای نوین مهاجرت نموده‌اند. این مهاجرت نتیجه گرایش طبیعی آنان به ترک موطن خویش به دلیل پاسخگو نبودن محیط زندگی به نیازهای متنوع آنان و کشش نواحی پررونق بوده است. گریز از مناطق روستایی برای کسب فرصتهای بهتر بخصوص در میان جوانان تحصیلکرده که با عنوان فرار مغزهای روستایی تعریف شده است نتیجه منطقی این شعار است که «شما بازنده خواهید بود اگر

1. Theory of Reasoned Action
2. Ray D. Bollman



روستا را ترک نکنید^۱». مهاجرت برای کسب موفقیت متضمن این مفهوم است که ارزشهای سنتی اجتماعات روستایی با منطق سادگی در مقایسه با فرهنگ مدگرایی مناطق شهری قادر نخواهد بود زمینه موفقیت ساکنان مناطق روستایی را فراهم آورد. نبود فرصت و نبود آینده منعکس کننده آرای روستاییان جوانی است که در شهرها پایگاه جدیدی برای خود یافته‌اند [۱۵].

بررسیهای به عمل آمده در ایران نیز نشان می‌دهد که میزان جابه‌جایی جمعیت متأثر از تغییر و تحول شرایط اقتصادی و اجتماعی در کل کشور افزایش یافته است. روند موجود در کاهش میزان رشد جمعیت روستایی طی سه دهه اخیر نشان می‌دهد که میزان مهاجرت‌های روستایی در اولین دهه بعد از انقلاب اسلامی کاهش و در دهه دوم شدت زیادی یافته است. به رغم اینکه سرمایه‌گذاریهای عمرانی، زیربنایی و خدماتی در روستاها حجم رو به افزایشی داشته، فقدان تناسب در سرمایه‌گذاریهای شهری - روستایی باعث افزایش نسبی شدت مهاجرت روستاییان نسبت به دهه قبل شده است [۱۶].

اگرچه تغییرات سهم جمعیت روستایی کشور طی پنج دهه اخیر فقط متأثر از مهاجرت‌های روستا - شهری نبوده، سهم قابل توجهی از کاهش میزان رشد جمعیت روستایی ناشی از جابه‌جاییهای جمعیت، بخصوص نسل جوان به مناطق شهری است.

جمعیت روستایی استان قزوین نیز متناسب با شرایط حاکم بر فضای جمعیت روستایی کشور طی سالهای اخیر روند نزولی داشته است. از مجموع ۸۵۰ روستای دارای سکنه این استان در فاصله زمانی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۶۵ مجموعاً ۲۹۹ روستا و در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۵ تعداد ۵۳۶ روستا میزان رشد جمعیتشان منفی بوده است. افزایش شمار مراکز روستایی دارای میزان رشد منفی جمعیت به ۲۳۷ روستا در ۱۰ سال گذشته، میزان مهاجر فرستی مناطق روستایی استان را نشان می‌دهد [۱۷].

در این بین به رغم مطالعات گسترده‌ای که در باب شناسایی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستایی در سطح کشور صورت گرفته است، تاکنون راهکار مناسبی برای تعدیل شرایط موجود پیشنهاد نشده و به نظر می‌رسد در مدلهای پیشنهادی همواره با تأکید بر جنبه‌های اقتصادی کمتر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی مطرح نظر قرار گرفته‌اند. از طرفی به دلیل ساختار سنی جوان مناطق روستایی و تجربه بیشترین میزان مهاجرت در گروه سنی



1. You're a Loser If you Don't Leave

جوانان، به نظر می‌رسد که کلی‌نگری و ارائه راهکارهای غیرمنعطف جوابگوی نیازهای قشر جوان نبوده است. این ویژگی به نحو چشمگیری در میزان مهاجرت‌های روستایی استان مشاهده می‌شود. بدین ترتیب باید با پارادایم جدیدی به روند مهاجرت‌های روستایی نگرینت و راه‌حلهای منطقی با توجه به ویژگیهای مکانی - فضایی هر منطقه ارائه داد.

در این تحقیق بر آن نیستیم که با دیدگاه منفی مهاجرت‌های روستایی را فی‌نفسه امری غیرمنطقی تلقی کنیم چرا که اعتقاد بر آن است که این امر واکنشی طبیعی به تغییرات در یک نظام اجتماعی است. بنابراین هرگونه تلاش برای متوقف نمودن این پدیده، بیهوده به نظر می‌رسد. در این خصوص لازم است بر عواملی که در ایجاد انگیزه برای مهاجرت‌های روستا - شهری مؤثر واقع می‌شوند توجه نموده و در یک تحلیل واقع‌بینانه، راهکارهای مناسبی برای تعدیل آن ارائه کرد. لذا در تحقیق حاضر سعی بر آن است که میزان انگیزه مهاجرت ۴۰۰ نفر از جوانان روستایی استان قزوین را که هم‌اینک در مناطق روستایی ساکن هستند به صورت نمونه در ۱۲۲ روستا تعیین و سپس عوامل مؤثر بر انگیزه مهاجرت آنان را شناسایی شود. در این بین فرضیات ذیل مطرح هستند:

فرضیه اول

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد گرایش به مهاجرت جوانان روستایی بنیانهای اقتصادی است. این بدان معناست که تنگناهای اقتصادی در بروز انگیزه و گرایش به مهاجرت مؤثرند. به منظور آزمون این ادعا ضمن توجه به مهمترین مؤلفه‌های اقتصادی به عنوان متغیرهای مستقل چون میزان مالکیت اراضی زیر کشت، میزان تملک باغها، میزان مالکیت دام، شاخص مصرف مواد غذایی و متوسط درآمد خانوار در برابر متغیر وابسته میزان انگیزه و گرایش به مهاجرت که در یک طیف به صورت درصد اندازه‌گیری شده است اقدام به آزمون فرضیه گردید.

فرضیه دوم

به نظر می‌رسد که بین ویژگیهای مکانی - فضایی مناطق روستایی و میزان گرایش به مهاجرت جوانان روستایی رابطه معناداری وجود دارد. از آنجا که قابلیت‌های مراکز روستایی با یکدیگر متفاوت است، انتظار می‌رود که درجه گرایش به مهاجرت متفاوت باشد. میزان دسترسی به شهر و فاصله تا نزدیکترین شهر، برخورداری از خدمات مناسب، از مهمترین



شاخصهای مکانی - فضایی مؤثر بر متفاوت بودن نوع گرایش به مهاجرت در مناطق روستایی است.

فرضیه سوم

به نظر می‌رسد که ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی و روابط حاکم بین افراد در جوامع روستایی تفاوتی دارند. این تفاوتها (واگراییها) یا تشابهات (همگراییها) در الگوی رفتاری فرد مؤثر بوده و نوعاً به شکل‌دهی شخصیت‌های متفاوت در جوامع روستایی منجر می‌شود. شخصیت‌های درون‌گرا یا برون‌گرا حاصل چنین تفاوت‌هایی هستند. الگوی رفتاری هر یک از گروهها و طبقات اجتماعی در رده‌های مختلف، از این دیدگاه به اشکال متفاوت تجلی می‌یابد که آثار و پیامدهای آن در بعد مکانی (روستا) امکان دارد در قالب‌های متنوع فرهنگی با تضادها و همگراییها شکل گیرند. میزان ارتباط اجتماعی فرد با اقوام، خویشاوندان و همسایگان، میزان چالشها و تضادها بین فرد با والدین و همسایگان یا تضادها و چالشهای قومی و قبیله‌ای در سطح روستا به همراه میزان استفاده از کالاهای فرهنگی بویژه دسترسی به شبکه‌های تلویزیونی به عنوان مهمترین وسیله ارتباط جمعی امکان دارد به الگوهای رفتاری متفاوت منجر شوند. گرایش به مهاجرت امکان دارد به عنوان یک الگوی رفتاری، حاصل و پیامد چنین بینشی باشد. انتظار می‌رود با افزایش سطح چالشها و دسترسی به کانالهای متنوع تلویزیونی، گرایش به مهاجرت نیز افزایش یابد.

فرضیه چهارم

وجود شکاف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میان مناطق شهری و روستایی که به از بین رفتن تعادل مکانی - فضایی منجر می‌شود امکان دارد در ایجاد مهاجرت از روستا به شهر مؤثر باشد. مطابق نظریه بارتموس استنباط می‌شود که نیازهای انسان فقط در کسب معاش مادی خلاصه نمی‌شود، زیرا انسان به عنوان یک موجود اجتماعی نیازهای فرامادی نیز دارد که نیازمند تأمین آن است. نیازهای انسان به دو دسته نیازهای اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود که در رأس نیازهای اولیه می‌توان به مواردی چون کسب منزلت اجتماعی و نیاز به موفقیت را نام برد. از این منظر آنچنانکه رانسی مان نیز به آن می‌پردازد مفهوم بی‌عدالتی معنا می‌یابد. بی‌عدالتی حاصل شکاف فزاینده میان مناطق شهری و روستایی است که در اختلاف

بین دو عنصر «توقعات ارزشی فرد» و «قابلیت‌های ارزشی ظاهری» تعریف می‌شود. توقعات ارزشی به آن دسته از امکانات و شرایط زندگی اطلاق می‌شود که مردم خود را به طور موجهی شایسته داشتن آن می‌بینند، شرایطی که افراد به نحو مشروعی انتظار به دست آوردنشان را دارند. گیدنز با تعبیری جامعه‌شناسانه این مفهوم را ناشی از اختلاف بین مردم در زندگی خود مجبورند داشته باشند و آنچه فکر می‌کنند به طور واقعی می‌توانند به دست آورند می‌داند [۱۸].

با طرح چنین دیدگاهی به نظر می‌رسد که فاصله بین توقعات ذهنی روستاییان و آنچه آنان مجبورند داشته باشند ممکن است به بروز رفتارهای پیش‌بینی نشده منجر شود. این شرایط به‌ویژه برای جوانان روستایی حادث است. تحقق نیافتن نیازهای مورد انتظار و آنچه در دنیای واقعی جوانان می‌گذرد ممکن است در ایجاد انگیزه مهاجرت از روستا مؤثر باشد. برای تبیین این ادعا هفت مؤلفه ذیل مطرح نظر قرار گرفته‌اند:

۱. تحصیلات بهتر
۲. شغل مناسب
۳. کسب موفقیت اجتماعی
۴. کسب شهرت
۵. یافتن همسر مورد علاقه
۶. گذران اوقات فراغت با زندگی جالب‌تر و مهیج‌تر
۷. کسب پول و ثروت

برای آزمون این ادعا تحقق نیافتن موارد فوق در مناطق روستایی آیا می‌تواند در تصمیم برای مهاجرت از روستا به شهر مؤثر باشد، به طرح دو طبقه مکانی شامل شهر و روستا در سه گزینه کیفی مرتبط با مؤلفه‌های مورد مطالعه در سطح جامعه نمونه اقدام کرده است.

۳- یافته‌های تحقیق

به نظر می‌رسد گرایش به مهاجرت در صورت راضی نبودن از محیط زندگی امری بدیهی است. اگر در محل سکونت فرد امکان تأمین نیازهای متنوع او نباشد، مهاجرت امری طبیعی تلقی می‌شود. بررسی جامعه نمونه نیز مبین این واقعیت است که ۷۰ درصد آنها تمایل زیادی به مهاجرت دارند، اما اگرچه به دلیل پاره‌ای از مسائل تاکنون مهاجرت نکرده‌اند، همچنان



انگیزه مهاجرت در آنان قوی است.

از آنجا که مهاجرت در عمل مستلزم بسترهای مناسب در مبدأ و مقصد است، فقدان شرایط بهینه در هر یک از مکانهای مبدأ و مقصد به مهاجرت نکردن منتهی می‌شود. اما تمایل به مهاجرت ممکن است همچنان قوی باقی بماند. شهر به عنوان مقصد مهاجرت و روستا به عنوان مبدأ مهاجرت در صورت فقدان مؤلفه‌های مکانی - فضایی مؤثر به عدم مهاجرت منجر می‌شود. در مورد شهر اگر فرد محل سکونت مناسب، توانایی مالی لازم، انس با شهر نداشته باشد و در مورد روستا اگر فرد محل سکونت مناسب، تأمین شغلی، درآمد مکفی، همنشینی با خویشاوندان، علاقه به زندگی در محل روستا و غیره داشته باشد مهاجرت صورت نمی‌گیرد. مؤلفه‌های مورد بررسی در سطح جامعه نمونه برحسب اولویت، بیانگر تفاوت معنادار در هر یک از عوامل فوق است، به طوری که در مورد شهر ۳۵/۵ درصد (۱۴۲ نفر) نداشتن توانایی مالی لازم و ۳۲/۵ درصد (۱۳۰ نفر) نداشتن تأمین شغلی در شهر را از مهمترین دلایل مهاجرت نکردن برای خود معرفی نموده‌اند. نداشتن محل سکونت مناسب با ۲۳/۵ درصد، مأنوس نبودن با محیط شهر با ۶ درصد و سایر موارد با ۲/۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این مؤلفه‌ها در مورد روستا به ترتیب با ۴۰/۸ درصد برای داشتن محل سکونت مناسب، ۲۵/۵ درصد برای تأمین شغلی و ۱۹/۸ درصد برای همنشینی با خویشاوندان توزیع شده است. به طوری که جدول ۱ نشان می‌دهد مطمئن نبودن از داشتن پایگاه اقتصادی مناسب در شهر و نیز برخورداری از شرایط شغلی و محل سکونت مناسب در روستا از مهمترین دلایل برای مهاجرت نکردن جوانان روستایی است.

۴- آزمون فرضیات و نتایج تحقیق

در شناخت و بررسی عوامل مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی که به صورت مطالعه موردی در استان قزوین صورت گرفته با روش نظام‌مند سعی شده تا ضمن توجه به مؤلفه‌های تأثیرگذار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شیوه متفاوتی در مطالعات مربوط به مهاجرت ارائه شود.

در این تحقیق که مؤلفه‌های شکل ۱ مطالعه و بررسی شده نتایج ذیل به دست آمده است:

جدول ۱ عوامل مرتبط با مهاجرت نکردن روستاییان در شهر و روستا

شهر			
مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
نداشتن محل سکونت مناسب	۹۴	۲۳/۵	۲۳/۵
فقدان توانایی مالی	۱۴۲	۳۵/۵	۵۹
فقدان تأمین شغل	۱۳۰	۳۲/۵	۹۱/۵
مأنوس نبودن با محیط شهر	۲۴	۶	۹۷/۵
سایر موارد	۱۰	۲/۵	۱۰۰
مجموع	۴۰۰	۱۰۰	
روستا			
مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
داشتن محل سکونت مناسب	۱۶۳	۴۰/۸	۴۰/۸
تأمین شغل	۱۰۲	۲۵/۵	۶۶/۳
علاقه به زندگی در روستا	۲۳	۵/۸	۷۲
همنشینی با خویشاوندان	۷۷	۱۹/۳	۹۱/۳
توانایی مالی	۳۰	۷/۵	۹۸/۸
سایر موارد	۵	۱/۳	۱۰۰
مجموع	۴۰۰	۱۰۰	

۱. از میان مؤلفه‌های اقتصادی میزان درآمد، میزان مالکیت اراضی زیر کشت، میزان مصرف مواد غذایی و میزان استفاده از کالاهای مصرفی بادوام در ایجاد تمایل به مهاجرت در جوانان روستایی تأثیر معناداری نداشته‌اند. شایان ذکر است این معنادار نبودن تأثیر به معنای فقدان اثر نیست، بلکه کمی درآمد در میان اقشار جامعه نمونه که به طور نسبی به شکل متعادل توزیع شده مانع از تأثیرگذاری در روند مهاجرت بوده است.

۲. از میان مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی، شدت تضادها در ابعاد اجتماعی و فرهنگی امکان دارد در گرایش و بی‌گرایشی جوانان روستایی به مهاجرت مؤثر واقع شود. بررسیها نشان می‌دهد که از میان عوامل مرتبط با تعاملات اجتماعی و فرهنگی، بروز چالشهای قومی و قبیله‌ای در مناطق روستایی، میزان چالش و درگیری با همسایگان، میزان چالش با والدین و نیز



تعداد خویشاوندان ساکن در شهر در بروز انگیزه برای مهاجرت در جوانان روستایی مؤثرند. ۳. از میان ویژگیهای مکانی - فضایی مرتبط با مناطق روستایی، به نظر می‌رسد که میزان خدمات موجود در هر یک از روستاهای نمونه در بروز انگیزه مهاجرت و گرایش به مهاجرت مؤثر است. این بدان معناست که در روستاهای با امکانات خدماتی کمتر، میزان گرایش به مهاجرت در جوانان روستایی بیشتر است.

۴. از میان مؤلفه‌های ارزشی که زمینه‌ساز شکاف بین مناطق شهری و روستایی گردیده به نظر می‌رسد عواملی چون کسب موقعیت اجتماعی، تحصیلات بهتر، کسب شهرت، دستیابی به شغل مناسب، گذران اوقات فراغت مناسب‌تر و کسب پول و ثروت در ایجاد انگیزه و گرایش به مهاجرت در جوانان روستایی مؤثرند. این ویژگی که در جدول ۲ نشان داده شده مبین تفاوت معنادار نوع نگرش در میزان موفقیت افراد در شهر و روستاست. این بدان معناست که جامعه نمونه در ارتباط با هر یک از مؤلفه‌های مورد بررسی، خود را در شهر موفق‌تر می‌داند.

جدول ۲ آزمون تفاوت مؤلفه‌های ارزشی و حصول به موفقیت در شهر و روستا و در جامعه نمونه

رتبه برابر	رتبه (+)	رتبه (-)	میزان (P)	میزان (Z)	مؤلفه‌ها
۵۱	۹۴	۲۵۵	۰/۰۰۰	-۹/۰۵	کسب موقعیت اجتماعی
۲۴	۴۱	۳۳۵	۰/۰۰۰	-۱۳/۷	تحصیلات بهتر
۶۴	۱۴۶	۱۹۰	۰/۰۰۳	-۲/۹۷	کسب شهرت
۴۹	۵۶	۲۹۵	۰/۰۰۰	-۱۲/۰۱	شغل مناسب
۳۸	۱۱۴	۲۴۸	۰/۰۰۰	-۶/۵۹	گذران اوقات فراغت
۷۲	۷۲	۲۵۶	۰/۰۰۰	-۹/۳۰	کسب پول و ثروت

بدین ترتیب در مجموع به نظر می‌رسد که از عوامل مورد مطالعه طبق جدول ۳ عواملی چون چالش با همسایگان، چالش با خانواده، میزان مالکیت باغ، تعداد خویشاوندان ساکن در شهر و شاخص خدماتی روستا در بروز انگیزه برای مهاجرت در جوانان روستایی استان قزوین مؤثرند.

جدول ۳ نتایج آزمون فرضیات مبتنی بر تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایجاد انگیزه و گرایش به مهاجرت

مؤلفه‌ها	ارزش حدی P. Value
دسترسی به شهر	۰/۹۰۲
تعداد دام	۰/۸۴۵
چالش با همسایگان	** ۰/۰۴۶
چالش با خانواده	* ۰/۰۵۹
چالش در روستا	** ۰/۰۵
تسهیلات رفاهی در خانه	۰/۶۴۵
اراضی زراعی	۰/۳۰۷
مصرف مواد غذایی	۰/۲۵۷
تعداد دوستان ساکن در شهر	۰/۳۶۹
باغداری	** ۰/۰۰۱
تعداد فامیلهای ساکن در شهر	** ۰/۰۴۳
درآمد	۰/۹۱۵
دید و بازدید با فامیلهای روستا	۰/۲۰۷
دید و بازدید با همسایگان	۰/۵۵۰
شاخص خدماتی روستا	** ۰/۰۰۲

** در سطح ۰/۰۵

* در سطح ۰/۱



شکل ۱ مهمترین مؤلفه‌های مورد مطالعه در شناخت عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه برای مهاجرت جوانان روستایی

۵- منابع

- [۱] قاسمی، یارمحمد، بررسی انگیزه‌های مهاجرت روستاییان و عشایر به شهر ایلام، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، ۱۳۷۲ ص. ۴۳.
- [۲] رامین، تقی، «عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر مهاجرت‌های بین استانی در ایران»، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، شماره گزارش ECV۱۰۰۲۷۱۰، ۱۳۰، ۱۳۷۱، ص. ۳۰.
- [3] Morill R., "Specific Migration and Regional Diversity", *Environment and Planning*, Vol. 26, 1994, pp. 1699-1710.
- [4] Zeghiche, Anissa, "Appraisal of Rural-Urban Migration Determinants: A Case Study of Constantine", *Algeria TWPR*, 10(11), 1988, p. 29.
- [5] Zax, S. Jeffery, "When Is a Move a Migration?" *Regional Science and Urban Economics*, North Holland, Vol. 24, 1994, pp. 341-360.
- [6] Shefer, Daniel et al., "Rural-to-Urban and Urban-to-Rural Migration Patterns in Colombia", *Habitant International*, Vol. 17, No. 1, 1993, pp. 3-31.
- [7] Hunt L. Gary, "Equilibrium and disequilibrium in migration study modeling", *Regional*, Vol. 27, No. 4, 1993, pp. 341-349.
- [8] Dasgupta, Biplab, "Public housing and migration: A multi-level modeling approach", *Int. Jou. Popul. Geo.*, Vol. 3, 1993, p. 277.
- [9] Bilsborrow, E. Richard, "Migration Urbanization and Development: Direction and Issues", United Nations Population Fund Publishers, 1996, p. 26.
- [10] Wenk Deann and Hardesty, Constance, "The Effects of Rural-to-Urban Migration on the Poverty Status of Youth in the 1980 s", *Rural Sociology*, Vol. 58, No. 1, 1993, pp. 76-96.
- [11] Charney H., "Migration and public Sector: A Survey, Alberta", *Regional Study*, Vol. 27, No. 4, 1993, pp. 313-326.



- [12] Fawcett, J. James et al., "Reasons for Moving and Migration Behaviour", *World Development*, Vol. 10, No. 4, 1982, pp. 98-129.
- [13] Connell John et al., "*Migration From Rural Areas, The Evidence From Village Studies*", Delhi, Oxford University Press, 1976, p. 228.
- [14] Lu, M., "Analyzing Migration Decisionmaking : Relationships Between Residential Satisfaction, Mobility Intention, and Moving Behaviour", *Environment & Planning A*, Vol. 30, 1998, pp. 1473-1495.
- [15] Bollman, Ray D., et al., *Rural Employment: An International Perspective*, London Publishing, 1997, p. 115.
- [۱۶] گنجیان، مهدی، موسوی، محمد، «نگاهی به مهاجرت‌های روستایی در ایران»، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، سال ۱۳۷۹، ص. ۲۴.
- [۱۷] طاهرخانی، مهدی، «برنامه پنجساله سوم توسعه استان قزوین»، سازمان جهاد سازندگی استان قزوین، ۱۳۷۷ و ص. ۱۰.
- [۱۸] رضوی، حسن، روستا، فقر، توسعه، مفاهیم، رهیافتها و شاخصها»، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، ج. ۱، سال ۱۳۷۷، ص. ۹۲.

